

بعثت در نهج البلاغه

در مورد شرایط زمان بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و حکمت بعثت انبیاء - غیر از قرآن - یکی از بهترین و معتبرترین منابع، نهج البلاغه شریف است ...



در مورد شرایط زمان بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و حکمت بعثت انبیاء - غیر از قرآن - یکی از بهترین و معتبرترین منابع، نهج البلاغه شریف است که در بردارنده بیانات گوهر بار امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد و دیگر جای مناقشه و اما و اگر نیست.

بعثت انبیاء عظام سلام الله علیهم اجمعین، از نعمت های بزرگ الهی بر عموم بشریت به شمار می رود و به این واسطه، زمینه هدایت بشر به همه کمالات و خوبی ها و سجایای اخلاقی را فراهم کرده است. پیامبران، رسولان ظاهری هستند که در کنار رسول باطنی (عقل)، راهنما و مرشد انسان ها می باشند. در این میان، بعثت خاتم الانبیاء، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ چرا که دین مبین اسلام، به عنوان آخرین دین آسمانی، کامل ترین دین و مکمل ادیان گذشته می باشد. این حدیث معروف است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنِّي بَعْتُ لَاتِمِّمَ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ من مبعوث شده ام تا مکارم اخلاقی را کامل گردانم.»

بعثت پیامبر اسلام صلوات الله علیه و آله به قدری مهم است که خداوند متان به واسطه این نعمت بزرگ، بر مؤمنان منت نهاده است؛ در این جا که می فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ خداوند بر اهل ایمان منت گذاشت که از بین آنها پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات الهی را برای آنها بخواند و پاکشان کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ گر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.» **آل عمران/164**

در مورد شرایط زمان بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و حکمت بعثت انبیاء - غیر از قرآن - یکی از بهترین و معتبرترین منابع، نهج البلاغه شریف است که در بردارنده بیانات گوهر بار امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد و دیگر جای مناقشه و اما و اگر نیست؛ چرا که نهج البلاغه کتاب معتبری است و علی علیه السلام نیز حجت خدا و معصوم، در نتیجه می توان به خوبی به این بیانات استناد کرد. در ادامه مواردی از بعثت که در نهج البلاغه آمده، ذکر می شود.

بعثت انبیاء، اتمام حجت بر بندگان

بَعَثَ اللَّهُ رَسُولَهُ بِمَا خَصَّهُمْ بِهِ مِنْ وَحْيِهِ وَ جَعَلَهُمْ حُجَّةً لَهُ عَلَى خَلْقِهِ لِنَلَا تَجِبَ الْحُجَّةُ لَهُمْ بِتَرْكِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِمْ فَدَعَاهُمْ بِلِسَانِ الصِّدْقِ إِلَى سَبِيلِ الْحَقِّ أَلَا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ كَشَفَ الْخَلْقَ كَشْفَةً لَا أَنَّهُ جَهْلٌ مَا أَحَقُّوهُ مِنْ مَصْنُونِ أَسْرَارِهِمْ وَ مَكْتُونِ ضَمَائِرِهِمْ وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَهُمْ أَيْهِمْ أَحْسَنَ عَمَلًا فَيَكُونَ الثَّوَابُ جَزَاءً وَ الْعِقَابُ بَوَاءً؛ خداوند پیامبران را با مخصوص گرداندن آنان به وحی خود به رسالت برانگیخت و آنان را حجت خود بر بندگان قرار داد تا عذری برای مردم به خاطر بستن راه های عذر به روی آنان نباشد؛ پس آنان را با زبان صدق به راه حق دعوت کرد. بدانید که خداوند بندگان را در معرض آزمون قرار داد، نه به خاطر اینکه به آنچه از اسرار باطنی و اندیشه های درونی پنهان کرده بودند آگاه نبود، بلکه به این علت که آنان را در بوته آزمایش قرار دهد تا کدامشان عامل بهترین عملند، آن گاه ثواب در برابر کار نیک و عقاب در مقابل کار بد قرار گیرد. **خطبه 144**

روند بعثت انبیاء تا مبعوث شدن پیامبران صلی الله علیه و آله

... وَ اصْطَقَى سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ أَحَدَ عَلَى الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ وَ عَلَى تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ أَمَانَتَهُمْ لَمَّا بَدَّلَ أَكْثَرُ خَلْقِهِ عَهْدَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ فَجَهِلُوا حَقَّهُ وَ اتَّخَذُوا الْأَنْدَادَ مَعَهُ وَ اجْتَالَتْهُمْ الشَّيَاطِينُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَ اقْتَطَعَتْهُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرِ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنَسَى نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَ يُرَوِّحُوا أَيْاتِ الْمَقْدَرَةِ مِنْ سَقْفِ فَوْقَهُمْ مَرْفُوعٍ وَ مِهَادِ تَحْتَهُمْ مَوْضُوعٍ وَ مَعَايِشِ تَحْيِيهِمْ وَ أَجَالِ ثَقْيِيهِمْ وَ أَوْصَابِ ثَهْرِهِمْ وَ أَحْدَاثِ [تَتَابَعِ] تَتَابَعِ عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يُخَلِّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ أَوْ كِتَابٍ مُثَرَّلٍ أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ أَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ رُسُلٌ لَا تَقْصِرُ بِهِمْ قِلَّةُ عَدَدِهِمْ وَ لَا كَثْرَةُ الْمُكَذِّبِينَ لَهُمْ مِنْ سَابِقِ سَمِيِّ لَهُ مَنْ بَعْدَهُ أَوْ غَابِرِ عَرَفِهِ مَنْ قَبْلَهُ عَلَى ذَلِكَ تَسَلَّتِ الْقُرُونُ وَ مَضَّتِ الذُّهُورُ وَ سَلَّتِ الْأَبَاءُ وَ خَلَقَتِ الْأَبْنَاؤُ إِلَى أَنْ بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله لِإِنْجَارِ عِدَّتِهِ وَ إِتِمَامِ ثُبُوتِهِ مَأْخُودًا عَلَى التَّيْيِينَ مِيثَاقَهُ مَشْهُورَةً سِمَانُهُ كَرِيمًا مِلَادُهُ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ يَوْمِئِذٍ مِلٌّ مُتَفَرِّقَةٌ وَ أَهْوَاءُ مُتَشَرِّبَةٌ وَ طَرَائِقُ مُتَشَتِّبَةٌ بَيْنَ مُشْتَبِهِ لِهْ بِخَلْقِهِ أَوْ مُلْجِدٍ فِي اسْمِهِ أَوْ مُشِيرٍ إِلَى غَيْرِهِ فَهَذَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّالَّةِ وَ أَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ ثُمَّ اخْتَارَ سُبْحَانَهُ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله لِقَاءَهُ وَ رَضِيَ لَهُ مَا عَيْدُهُ وَ أَكْرَمَهُ عَنْ دَارِ الدُّنْيَا وَ رَغِبَ بِهِ عَنْ مَقَامِ الْبُلُوِّ فَقَبِضَهُ إِلَيْهِ كَرِيمًا وَ خَلَفَ فِيكُمْ مَا خَلَقَتِ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَّمِهَا إِذْ لَمْ يَتَرَكُوهُمْ هَمَلًا بَعِيرٍ طَرِيقٍ وَاضِحٍ؛ خداوند سبحان پیامبرانی از فرزندان آدم برگزید که در وحی و امانت داری در ابلاغ رسالت از آنان پیمان گرفت، زمانی که اکثر انسان ها عهد خدا را به امور باطل تبدیل نموده و به حق او جهل ورزیدند و به همراه او بت ها را نظیر گرفتند [مشرك شدند]، شیاطین آنان را از معرفت به خداوند باز داشتند و رابطه بندگی ایشان را با حق بریدند.

پس خداوند رسولانش را برانگیخت و پیامبران را به دنبال هم به سوی آنان گسیل داشت تا ادای عهد فطرت الهی را از مردم بخواهند و نعمت های فراموش شده او را به یادشان آورند و با ارائه دلایل بر آنان اتمام حجت کنند و نیروهای پنهان عقول آنان را بر انگیزانند و نشانه های الهی را به آنان بنمایانند که عبارتند از آسمانی که بر بالای سرشان افراشته شده و زمین که گهواره زیر پایشان است،

معیشت‌هایی که آنان را زنده می‌دارد و اجل‌هایی که ایشان را به دست مرگ می‌سپارد و ناگواری‌هایی که آنان را به پیری می‌نشانند و حوادثی که به دنبال هم بر آنان هجوم می‌آورد.

خداوند سبحان بندگان را بدون پیامبر یا کتاب آسمانی یا حجتی لازم یا نشان دادن راه روشن، رها نساخت. پیامبرانی که کمی عدلشان و کثرت تکذیب کنندگان، آنان را از تبلیغ باز نداشت. از پیامبر گذشته‌ای که او را از نام پیامبر آینده خبر دادند و پیامبر آینده‌ای که پیامبر گذشته او را معرفی کرد.

بر این منوال قرن‌ها گذشت و روزگار سپری شد، پدران در گذشتند و فرزندان جای آنها را گرفتند تا خداوند محمد رسول الله صلی الله علیه و آله را برای به انجام رساندن وعده‌اش و به پایان بردن مقام نبوت مبعوث کرد. در حالی که قبولی رسالت او را از تمام انبیا گرفته بود، نشانه‌هایش روشن و میلادش با عزت و کرامت بود.

در آن روزگار، اهل زمین ملی پراکنده، دارای خواسته‌هایی متفاوت و روش‌هایی مختلف بودند، گروهی خدا را تشبیه به مخلوق کرده، عده‌ای در نام او از حق منحرف بوده و برخی غیر او را عبادت می‌نمودند. چنین مردمی را به وسیله پیامبر از گمراهی به هدایت رساند و به سبب شخصیت او از چاه جهالت به در آورد. آن گاه لقایش را برای محمد صلی الله علیه و آله اختیار کرد و جوار خود را برای او پسندید، با فراخواندنش از این دنیا به او اکرام نمود و برای او فردوس اعلا را به جای قرین بودن به ابتلائات و سختی‌ها برگزید و او را کریمانه به سوی خود برد و آن حضرت [در هنگام رحلت] هر آنچه را انبیا گذشته در امت خود به ودیعت نهادند، در میان شما به ودیعت نهاد؛ چرا که پیامبران امت‌ها را بدون راه روشن و نشانه پا برجا، سرگردان و رها نگذاشتند... **بخشی از خطبه اول**

وصف عرب قبل از بعثت

1- **إِنَّ اللَّهَ [تَعَالَى] بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَ أَمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَ أَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ مُنِيخُونَ بَيْنَ حِجَازٍ خَشَنٍ وَ حَيَاتٍ صُمٍّ تَشْرَبُونَ الْكَدْرَ وَ تَأْكُلُونَ الْجَشِبَ وَ تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ تَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ الْأَصْنَامُ فَيْكُمْ مَتَّصُونَ وَ الْأَتَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ؛** خداوند محمد صلی الله علیه و آله را بیم دهنده عالمیان و امین بر قرآن بر انگیخت در حالی که شما ملت عرب، در آن وقت دارای بدترین دین و در بدترین خانه بودید، منزلتان در میان سنگ‌های سخت و در بین مارهای زهردار بود، آب تیره می‌نوشیدید، غذای خشن می‌خوردید، خون یکدیگر را می‌ریختید، قطع رحم می‌کردید، بتان در میان شما نصب شده بود و گناهان به شما بسته بود.

خطبه 26

2- **بَعَثَهُ وَ التَّاسُ ضَلَالٌ فِي حَيْرَةٍ وَ حَاطِبُونَ فِي فِتْنَةٍ قَدْ اسْتَهْوَتْهُمْ الْأَهْوَاءُ وَ اسْتَزَلَّتْهُمْ الْكِبْرِيَاءُ وَ اسْتَحَقَّتْهُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ حَيَارَى فِي زَلْزَلٍ مِنَ الْأُمْرِ وَ بَلَاءٍ مِنَ الْجَهْلِ فَبَالَعَ فِي التَّصِيحَةِ وَ مَضَى عَلَى الطَّرِيقَةِ وَ دَعَا إِلَى الْحِكْمَةِ وَ الْمُوعِظَةِ؛** خدا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به هنگامی مبعوث فرمود که مردم در حیرت و سرگردانی بودند، در فتنه‌ها به سر می‌بردند، هوی و هوس بر آنها چیره شده و خود بزرگ بینی و تکبر به لغزش‌های فراوانشان کشانده بود و نادانی‌های جاهلیت پست و خوارشان کرده و در امور زندگی حیران و سرگردان بودند و بلای جهل و نادانی دامن‌گیرشان بود؛ پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نصیحت و خیرخواهی، نهایت تلاش را کرد و آنان را به راه راست راهنمایی و از راه حکمت و موعظه نیکو، مردم را به خدا دعوت فرمود. **خطبه 95**

3- **أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ [وَ تَعَالَى] بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْعَرَبِ يَقْرَأُ كِتَابًا وَ لَا يَدْعِي نُبُوَّةَ وَ لَا وَحْيًا فَقَاتَلَ بِمَنْ أَطَاعَهُ مَنْ عَصَاهُ يَسُوقُهُمْ إِلَى مَنَاجِئِهِمْ وَ يُبَادِرُ بِهِمُ السَّاعَةَ أَنْ تَنْزَلَ بِهِمْ يَحْسِرُ الْحَسِيرُ وَ يَقِفُ الْكَسِيرُ فَيُقِيمُ عَلَيْهِ حَتَّى يُلْحِقَهُ غَايَتُهُ إِنْ هَالِكًا لَا خَيْرَ فِيهِ حَتَّى أَرَاهُمْ مَنَاجِئَهُمْ وَ بَوَاهُمْ مَحَلَّتَهُمْ فَاسْتَدَارَتْ رَحَاهُمْ وَ اسْتَقَامَتْ قَنَائِهِمْ...؛** خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را بر انگیخت در حالی که احدی از عرب نبود که کتابی بخواند و نه دعوی پیامبری و نزول وحی کند؛ پس به همراه پیروانش با آنان که نافرمان بودند جنگید، عاصیان را به سوی نجات سوق می‌داد و برای رهایی مردم از گمراهی پیش از آن‌که مرگشان فرا رسد، آنان را به رستگاری رساند. با خستگان مدارا کرد و شکسته حالان را زیر بال گرفت تا همه را به راه راست هدایت فرمود، جز آنان که راه گمراهی پیمودند و در آنها خیری نبود، همه را نجات داد و در جایگاه مناسب رستگاری، استقرارشان بخشید تا آن که آسیاب زندگی آنان به چرخش در آمد و نیرزشان تیز شد... **خطبه 104**

فلسفه بعثت

فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ وَ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ يَقْرَأُ قَدْ بَيَّنَّتْهُ وَ أَحْكَمَتْهُ لِيَعْلَمَ الْعِبَادُ رَبَّهُمْ إِذْ جَهِلُوهُ وَ لِيَقْرُوا بِهِ بَعْدَ إِذْ جَحَدُوهُ وَ لِيُثْبِتُوهُ بَعْدَ إِذْ أَنْكَرُوهُ فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ بِمَا أَرَاهُمْ مِنْ قُدْرَتِهِ وَ خَوْفُهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ وَ كَيْفَ مَحَقَّ مَنْ مَحَقَّ بِالْمَثَلَاتِ وَ احْتَصَدَ مِنَ التَّقِمَاتِ؛ خداوند محمد صلی الله علیه و آله را به حق بر انگیخت تا بندگان را از پرستش بت‌ها باز داشته، به عبادت و بندگی او وا دارد و از پیروی شیطان منع کرده، به فرمانبرداری خودش سوق دهد. با قرآنی که آن را آشکار و استوار فرمود تا بندگان، پروردگارشان را بشناسند؛ در حالی که نادان بودند و به او اعتراف کنند پس از آنکه انکار داشتند و هستی او را اثبات نمایند بعد از آنکه باور نداشتند؛ پس خداوند سبحان بدون اینکه او را ببینند، خود را در قرآن به وسیله آیات قدرتش نشان داد و آنان را از شوکتش بیم داد و چگونگی هلاکت اقوام را به کیفرها و درو شدنشان [نابودی] را به عذاب‌ها بیان فرمود. **خطبه 147**

و الحمد لله رب العالمين